

حال به تعریف اقتصاد مقاومتی با استفاده از فرمایشات رهبری می پردازیم

امروزه جمهوری اسلامی درحوزه های **اقتصادی** خود با مسائل یا مفاهیمی مواجه است که به هیچ عنوان تاکنون چه در عرصه ی نظر و در کتاب های درسی و چه در عرصه ی عمل و تجارب بشری مشابه و ما به ازای واقعی نداشته است. بنابراین خود انقلاب اسلامی مکلف به نوآوری و ابتکار و نظریه پردازی و الگوسازی در این عرصه های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبارستیزی را برپا کند نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این مفاهیم **((اقتصادمقاومتی))** است.

اگر تمام دانش انباشته و کتاب های مرسوم اقتصادی دنیا را مطالعه کنید، نظریه یا تجربه ای مدون و مکتوب درباره ی **اقتصاد مقاومتی** نخواهید یافت. در تمام متون و کتاب های **اقتصاد**، هیچ پیشینه ای نظری یا عملی از تحریم بانک مرکزی نخواهید دید و از آن جا که این امر تاکنون سابقه نداشته، چگونگی واکنش به آن هم امری بدیع است. حتی اگر مطالعاتی هم در این باره صورت گرفته باشد، در طبقه بندی های محرمانه و امنیتی قرار گرفته و امکان دسترسی به آن برای کارشناسان معمولی وجود ندارد.

نتیجه اینکه **اقتصاددان انقلاب اسلامی** نمی تواند از نظریه های متداول برای حل مشکل و مسأله ی خود بهره بگیرد. لذاست که جنبش نرم افزاری و الگوی اسلامی - ایرانی اداره ی جامعه، شکل بدیعی به خود می گیرد که الهام بخش جمیع ملت های آزاده خواهد بود.

چهار تعریف از اقتصاد مقاومتی

مطلبی که در این نوشته درآمدی بر آن خواهیم داشت، مسأله ی **اقتصاد مقاومتی** است. ابتدا لازم است که یک تبیین و تعریف علمی از **اقتصاد مقاومتی** ارائه دهیم. **اقتصاد مقاومتی** را می توان چهارگونه تعریف نمود و چهار الگو از آن یا ترکیبی از همه ی آنها را در کشور به عنوان پروژه های ملی پیگیری کرد.

اقتصاد موازی

تعریف اول از **اقتصاد مقاومتی** به مثابه ی «**اقتصاد موازی**» است؛ یعنی همان طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی، اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته ی امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز بایستی برای تأمین اهداف انقلاب، این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند؛ چرا که انقلاب اسلامی به **اقتصادمقاومتی** و به نهادهای مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که چه بسا ماهیتاً از عهده ی نهادهای رسمی

اقتصادی بر نمی آید. پس باید نهادهایی موازی برای این کار ویژه ایجاد کند؛ یعنی ما در کشورمان به «اقتصاد پریم» نیاز داریم.

این امر البته به معنای نفی نهادهای مرسوم نیست. کما اینکه اکنون ما همزمان از هر دو نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهاد ارتش جمهوری اسلامی برای دفاع از انقلاب بهرمندهج. البته این الگو در مدل‌های حکمرانی مرسوم در دنیا و اتفاقاً در کشورهایی که از تجربه و توان حکمرانی بیشتری برخوردار باشند وجود دارد و این کشورها از نظام‌های چندلایه‌ی سیاستگزاری و اداره‌ی امور عمومی برخوردارند.

به عنوان مثال می‌توانیم از حضور همزمان نهادهای دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه و بنگاه‌های خصوصی در عرصه‌ی بهداشت و سلامت یا حتی در عرصه‌ی دفاعی و امنیتی کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی نام ببریم. البته مهم‌ترین مشکل این الگو این است که حسب نیازهای خاص انقلاب اسلامی و در عرصه‌ی اجرا با سوالات نوینی روبه‌رو خواهد بود، زیرا مثلاً هیچ تصویری از «بانک مرکزی موازی» در یک کشور و سامان‌بخشی به عرصه‌ی پولی-مالی کشور در دولایه‌ی دولتی و عمومی وجود ندارد. اما باز هم منطقاً نمی‌توان این الگو را در زمره‌ی مدل‌های اداره‌نشده‌ی غیرمعقول به حساب آورد.

اقتصاد ترمیمی

تعریف دوم از «اقتصاد مقاومتی» عبارت از اقتصاد است که در پی «مقاوم‌سازی»، «آسیب‌زدایی»، «خلل‌گیری» و «ترمیم» ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است. یعنی اگر در رویکرد قبلی می‌گفتیم که فلان نهاد نمی‌تواند انتظارات ما را برآورده کند، در رویکرد جدید به دنبال آن هستیم که با بازتعریف سیاست‌های نهادهای موجود، کاری کنیم که انتظارات ما را برآورند. مثلاً در این تعریف، ما از بانک مرکزی یا وزارت بازرگانی می‌خواهیم که کانون‌های ضعف و بحران را در نظام اقتصادی کشور شناسایی کنند و خود را بر اساس شرایط جدید اقتصادی، تحریم‌ها یا نیازهای انقلاب اسلامی بازتعریف نمایند و در نتیجه عملکردی جهادی ارائه دهند. در مقام تمثیل می‌توان گفت این کار شبیه همان کاری است که «پتروس فداکار» با فرو بردن انگشت خود در ترک دیواره‌ی سد انجام داد؛ یعنی باید ترک‌های ساختاری دیوار نهادهای اقتصادی را ترمیم کنیم. این مسأله یعنی ترمیم و مقاوم‌سازی ساختارهای اجرایی و اداری کشور حسب نیازهای مختلف و مقتضیات زمان و مکان هم امری دور از ذهن نیست.

کشورهای توسعه‌یافته نیز در برهه‌هایی از تاریخ اقتصادی خود، مجبور به مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی شدند. مثلاً غرب پس از دو شوک نفتی ۱۹۷۹ و ۱۹۸۳ میلادی، اقدام به جایگزینی سوخت‌های فسیلی با سایر سوخت‌های نوین کرد؛ به

طوری‌که امروزه با قیمت‌های بالای یک صد دلار نیز دچار شوک نفتی نمی‌شود. با این توضیحات ما امروز فقط نیازمند عزمی ملی برای اجرای این پروژه‌ی ملی و ارزشی هستیم.

اقتصاد دفاعی

تعریف سوم از **اقتصاد مقاومتی**، متوجه «**هجمه‌شناسی**»، «**آفندشناسی**» و «**پدافندشناسی**» ما در برابر آن هجمه است. یعنی ما باید ابتدا بررسی کنیم که مخالفان ما حمله به **اقتصاد** ایران و اخلاص در آن را چگونه و با چه ابزارهایی صورت می‌دهند. بنابراین وقتی به **اقتصاد مقاومتی** دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه‌ی دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آنها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد.

اقتصاد الگو

چهارمین تعریف نیز این است که اساساً **اقتصاد مقاومتی** یک رویکرد کوتاه مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست؛ بر خلاف سه تعریف قبلی که **اقتصاد مقاومتی** را یا پدافندی یا کوتاه مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلند مدت را شامل می‌شود. این تعریف هم که به نظر می‌رسد دور از دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب نیست، رویکردی ایجابی و دوراندیشانه دارد. در این رویکرد، ما در پی «**اقتصاد ایده‌آلی**» هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه **اقتصاد** اول منطقه برساند؛ **اقتصادی** که برای جهان اسلام الهام بخش و کارآمد بوده و زمینه ساز تشکیل «**تمدن بزرگ اسلامی**» باشد. بدین معنا اساساً در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه‌های مهم الگو می‌باید متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این مقوله است که **اقتصاد مقاومتی** مشتمل بر **اقتصاد** کارآفرینی و ریسک‌پذیری و نوآوری می‌شود. البته همه‌ی این چهار تعریف از **اقتصاد مقاومتی** به نوعی با هم رابطه‌ی «**عموم و خصوص من وجه**» دارند، منتها برخی کوتاه مدت و برخی بلند مدت هستند و البته ترکیبی از استراتژی‌های مطلوب را نیز برایمان به تصویر می‌کشند.